



اظهارات مقامات برجسته دو حزب آمریکا نشان می دهد تحریم ها علیه ایران به هیچ عنوان لغو نخواهند شد

اتلاف وقت برای تحمیل توافق بد به ایران



سید مهدی طالبی

روزنامه نگار

اگر آمریکا در دهه های اخیر با دوقطبی پیرامون مسائلی مانند مالیات ها یا سقط جنین روبه رو بوده است، امروز مسائل زیادی در آمریکا در گیرودار دوقطبی شدن هستند. توافق هسته ای ایران و آمریکا یکی از این موضوعات است که باعث اختلافات میان دو حزب آمریکا شده و حتی به شکاف های داخلی آنها نیز منجر شده است. نگرانی درباره پرونده ایران و لزوم توجه فوری به هر مساله این پرونده به دلیل تاثیرات بین المللی و داخلی آن باعث شده تا به دلیل اهمیت این پرونده، نگاه های رادیکالی در آمریکا نسبت به ایران شکاف هایی را در سیاست داخلی آمریکا بیاورند.

در تازه ترین نمونه، ۵۰ تن از قانونگذاران جمهوری خواه در نامه ای سرگشاده به جو بایدن، رئیس جمهور جدید آمریکا که در دومین هفته از ریاستش به سر می برد، خواستار عدم پیوستن مجدد او به توافق هسته ای با ایران موسوم به «برجام» شده اند. این نامه را دو تن از قانونگذاران مجلس نمایندگان آمریکا با نام های «مایک گارسیا» و «گرگ مورفی» تنظیم کرده اند. در این نامه آمده است: «توافق هسته ای ایران از نخستین روز، توافقی شکست خورده بوده. این توافق جلوی ایران هسته ای را نگرفت و از زرادخانه هسته ای ایران حمایت کرد و حمایت این کشور از تروریست ها را تسهیل کرد.» نویسندگان این نامه در ادامه با حمایت از ترور سردار شهید سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران از ترامپ تمجید کرده و نوشته اند: «یکی از عظیم ترین میراث های رئیس جمهور دونالد جی ترامپ این است که هیچ دولتی بیشتر از دولت او برنامه های حامی رژیم صهیونیستی نداشته است.» این ۵۰ قانونگذار همچنین مدعی شده اند سیاست «فشار حداکثری» دونالد ترامپ باعث شده تا اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی قرار بگیرد. ۵۰ قانونگذار آمریکایی در نامه شان مدعی شده اند بایدن قصد بازگشت به برجام را دارد و این مساله باعث جسورتر شدن ایران خواهد شد.

به جز این ۵۰ تن در روزهای اخیر دو فرد برجسته دیگر که در دولت ترامپ مسئولیت داشته اند نیز درباره بازگشت آمریکا به برجام هشدار داده اند. مایک پمپئو و نیک هیلی دو فردی هستند که جزه پرامیدترین کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ آمریکا به شمار می روند. پمپئو در مصاحبه با تری گاودی، نماینده جمهوری خواه سابق و مجری فاکس نیوز گفته است: «فکر نمی کنم مردم آمریکا استطاعت اینکه بار دیگر به هشت سال دیگر از سیاست خارجی باراک اوباما برگردند را داشته باشند. من امیدوارم آنها با یک سیاست خارجی بسیار شبیه به سیاست خارجی «اول آمریکا» ما به جلو حرکت کنند.» او به عنوان نمونه به ایران اشاره کرده و با هشدار به بایدن گفته است آیا بازگشتی که او درباره اش صحبت کرده، به معنای همراهی با ایران در متلاشی کردن رژیم صهیونیستی است. او مدعی شده که توافق هسته ای ۱۵۰ میلیارد دلار را به صورت نقد در اختیار ایران قرار داده است.

نیک هیلی، نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل متحد که از گزینه های اصلی جمهوری خواهان برای انتخابات ۲۰۲۴ است، اعتراف کرده که هدف از تحریک ها علیه

ایران به راه انداختن تظاهرات های خیابانی بوده است و بازگشت بایدن به برجام می تواند این نقشه را با خطر مواجه کند. هیلی همچنین گفته که بایدن به ایران متمایل است و به رژیم صهیونیستی بی توجهی می کند. نامه ۵۰ قانونگذار آمریکایی و سخنان پمپئو و هیلی نشان می دهد آنها به دنبال فضا سازی هستند تا مانع از اندک گشایشی در مساله حصر اقتصادی ایران شوند. بایدن، معاون او و تقریباً اکثر اعضای او از جمله برجسته ترین حامیان رژیم صهیونیستی هستند و بیان این مساله که بایدن به ایران متمایل و به رژیم صهیونیستی بی توجه است، اقدامی جز جنگ روانی نیست. این مساله واضح است که اساساً تحریم های گسترده علیه ایران که از سال ۲۰۱۰ به بعد وضع شدند، دستپخت دموکرات ها به رهبری باراک اوباما و جو بایدن بود، پس نمی توان به آنها لقب متمایل به ایران داد. اما آغاز جنگ روانی علیه کوچک ترین بازگشایی در حصر اقتصادی ایران نشانگر بروز دوقطبی وحشتناکی در داخل آمریکا است. این دوقطبی تا اندازه ای جدی است که بایدن روز پنجشنبه به عنوان معمار اصلی تحریم های ضدایرانی، در ساختمان وزارت خارجه آمریکا جرات نکرد کلمه ای درباره برجام به زبان بیاورد.

بیشترین امتیازی که براساس گزارش های رسانه ای قرار است بایدن به ایران بدهد، کاهش برخی از محدودیت های اقتصادی بدون کوچک ترین تغییری در نظام تحریم ها است. پایگاه تحلیلی «بلومبرگ» به تازگی در گزارشی نوشته که دولت بایدن به عنوان گامی به سوی احیای برجام در حال بررسی راه هایی برای کاهش فشار اقتصادی ایران بدون لغو تحریم های فلج کننده همچون فروش نفت است.

براساس این گزارش چهار منبع آگاه به این رسانه اعلام کرده اند که مقام های آمریکایی در حال بحث و گفت و گو درباره موضوعاتی چون حمایت از صندوق بین المللی پول برای اعطای وام به تهران برای مقابله با ویروس کرونا و همچنین تسهیل تحریم هایی هستند که در مسیر کمک های جامعه جهانی به ایران برای مقابله با کرونا مانع ایجاد کرده است. بومبرگ تأکید کرده است صدور معافیت های تحریمی که اجازه فروش نفت ایران در بازارهای بین المللی را بدهد، در حال حاضر تحت بررسی های جدی قرار ندارد.

از موضوعاتی که درباره تخفیف مجازات های اقتصادی علیه ایران مطرح شده است، می توان فهمید کوچک ترین تحریمی برداشته نخواهد شد. ایران تنها در کره جنوبی ۷ تا ۹ میلیارد دلار و در عراق حداقل ۶ میلیارد دلار پول بلوکه شده دارد و اگر بخشی از آنها آزاد شوند، نیازی به اخذ وام از صندوق بین المللی پول پیدا نمی کند. مطرح شدن اخذ وام ایران نشان می دهد ایران باید مبلغی را از موسسه ای مالی دریافت کند که وامش مشروط به رعایت شروطی خاص و سختگیرانه مانند آزادسازی قیمت حامل های انرژی و در پیش گرفتن سیاست های ریاضت اقتصادی است.

در سوی دیگر ایران باید در شرایط وخیم اقتصادی خود هر ساله اقساط این وام را برگرداند و اگر قادر به بازگرداندن آن نباشد، جریمه دیرکرد نیز به آن افزوده خواهد شد. این درحالی است که ایران حتی نتوانسته ۱۶ میلیون دلار سهم خود به سازمان ملل را پرداخت کند. از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که مبلغ پرداختی وام به ایران بلافاصله در حساب ایران بلوکه شود، اما ایران براساس توافق باید اقساط و دیرکرد های آن را پرداخت کند. این

بیشترین تخفیفی است که بایدن برای ایران در نظر گرفته تا بار دیگر تهران را دچار مشکلات بیشتری کند و از طرفی با وعده مانع از پیشرفت های علمی ایران شود.

ماهیت دوقطبی برجامی در آمریکا

صهیونیست ها به عنوان یکی از قدرتمندترین گروه های صاحب قدرت، ثروت و رسانه در آمریکا دارای موجودیتی در قیل خاورمیانه با نام رژیم صهیونیستی هستند که به زعم شان موجودیت شان توسط ایران مورد تهدید جدی است. به همین دلیل می کوشند از طریق رسانه ها، نفوذشان در مراکز دانشگاهی و پژوهشگاه ها و نیز لابی سیاسی همواره ایران را در صدر نگرانی های دولت و مردم آمریکا نگاه دارند. از طرف دیگر نیز آمریکا نسبت به فروپاشی دیکتاتوری های متحد خود در منطقه بیمناک است. کاخ سفید در این اندیشه است که پیروزی جنبش های انقلابی در منطقه و ایجاد نظام هایی سیاسی براساس دموکراسی منافع این کشور در منطقه را کاهش خواهد داد. در میان تمام گروه های سیاسی و اندیشکده های آمریکایی که در تهدید انگاری ایران وحدت دارند، شکافی پیرامون نحوه مواجهه و مهار ایران وجود دارد. برخی قائل به تشدید فشار و بعضی دیگر باتوجه به محدودیت های ابزارهای مقابله با ایران خواهان فشار هوشمندانه علیه ایران هستند. این نقطه جدایی دیدگاه ها درباره ایران است. جمهوری خواهان خواستار نادیده گرفتن میز مذاکره با ایران تا تسلیم نهایی تهران هستند؛ یا ایران باید تسلیم شود یا آنگذر فشار تحمل کند تا به فروپاشی برسد. در مقابل دموکرات ها معتقدند باید به پرونده ایران نه براساس ذهنیات بلکه براساس واقعیات نگاه کرده و ظرفیت های ایران را نیز در نظر گرفت. دعوا بر سر نگاه آرمان گرایانه جمهوری خواهان و دیدگاه واقع گرایانه تر دموکرات ها به مسائل است. دموکرات ها بارها اعلام کرده اند قصد ندارند ایران را رها کنند، اما می توانند به جای پیگیری سیاست های جمهوری خواهان که برای آمریکا فرسایشی است، سیاست هایی را به کار بگیرند که ضمن حفظ فشار بر روی ایران مانع از فرسایش قدرت آمریکا شود. تحریم جزء اصلی ترین ابزارهای آمریکاست که دست کشیدن از آن ناممکن است. زمانی ریچارد دیک چنی وزیر دفاع اسبق آمریکا گفته بود ۷۰ کشور با دوسوم جمعیت جهان تحت تحریم های آمریکا قرار دارند. این مساله فارغ از تعداد، حوزه ها و سطح تحریم ها که برای هر کشور متفاوت است، حاکی از اعتیاد شدید آمریکا به تحریم است. حالا دعوا در آمریکا بر سر این است که آیا صحبت از کاهش تحریم های نیز می تواند به ایران کمک کند یا خیر! اگر این صحبت ها باعث بروز جو مثبت در ایران می شود، پس باید از به کاربردن کلمات نیز خودداری کرد.

مخالفان منطقه ای

در منطقه خاورمیانه تقریباً دو کشور هستند که به دلیل وجود چندبعدی بودن احساس خطر موجودیتی برایشان شکل نمی گیرد. ایران و ترکیه هم دارای وسعت مناسبی هستند و هم از جمعیت کافی بهره می برند و دارای پیوستگی سرزمینی، سابقه طولانی دولت-ملت سازی و سوابق نظامی هستند و از سوی دیگر از دموکراسی نیز بهره می برند. به جز این دو کشور برخی در منطقه که داعیه دار قدرت هستند مانند رژیم صهیونیستی و یا امارات و قطر از اساس دارای جمعیت، وسعت و منابع کافی نیستند و از دموکراسی نیز بهره نمی برند.

رژیم صهیونیستی نیز از نظام انتخاباتی براساس آپارتاید علیه فلسطینیان بهره می برد که برای ایجاد امنیت در این رژیم کافی نیست. عربستان سعودی نیز که دارای وسعت، جمعیت، منابع و ایدئولوژی است به دلیل نظام دیکتاتوری و دوری از دموکراسی، خطرپذیری بالایی از جنبش های مردمی دارد. به همین دلیل است که عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی به شدت خطر رشد جریانات مردمی و دموکراسی خواهی در منطقه را درک کرده و علیه آن اقدام می کنند. در مقابل ایران به دلیل مردمی بودن نظام سیاسی خود و برگزاری انتخابات های متعدد راه رشد خود را تسلط گروه های مردمی بر منطقه می بیند و در سال های اخیر از آنها حمایت کرده است.

از نظر بلوک دیکتاتوری های منطقه ای که از حمایت نظام سیاسی آپارتایدی رژیم صهیونیستی نیز بهره می برند، دسترسی ایران به منابع مالی به معنای فراغ بال ایران در داخل و خارج این کشور برای استحکام دموکراسی در منطقه خواهد بود. اقدامات عربستان سعودی و کشورهای همپیمان وی پس از توافق هسته ای؛ نظیر حمله به یمن، اعدام شیخ نمر رهبر شیعیان عربستان، فراخوانی سفرای عربستان سعودی، کویت، امارات و قطر و اظهارات تند مقامات عربی، به ویژه عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی، بیانگر هراس همسایگان عربی از دستیابی جمهوری اسلامی به منابع مالی بلوکه شده و صرف آن در بخش نظامی و تسلیحاتی، تقویت حزب الله و حماس، حمایت از شیعیان و ایجاد تزلزل در نظام حکومتی رهبران سنی منطقه در برجام است.^۱

در مقاله «Rennack» با عنوان «ایران، تحریم های اقتصادی آمریکا و مجوز لغو تحریم ها» آمده است که «از نظر جبهه داخلی آمریکا، رئیس جمهور این کشور تنها زمانی می تواند تحریم ها علیه ایران را لغو کند که بتواند شواهد و مستندات در رابطه با رفع تهدید ایران برای منافع آمریکا و متحدانش ارائه کند.» منظور از متحدان آمریکا رژیم های دیکتاتوری و دموکراسی گریز حاشیه جنوبی خلیج فارس و رژیم صهیونیستی به عنوان نظام آپارتایدی است که نباید مورد تهدید جریانات دموکراسی خواهانه قرار بگیرند. حتی اگر مردمی در کشور خود بخواهند از دموکراسی بهره ببرند در بهترین شرایط اگر آمریکا از خیر منافعش در این کشور نیز گذشته باشد، مردم این کشور را به دلیل الگودهی به دیگران مجازات خواهد کرد.

مجازات اقتصادی ایران در زمان نخست وزیری مصدق توسط بریتانیا و پس از آن ترتیب دادن کودتا علیه وی توسط آمریکا نمونه ای از «حفظ منافع غرب» در منطقه است. اساساً ایران در حداقلی ترین شرایط اگر بخواهد برای منافع آمریکا در منطقه تهدیدی نباشد باید نظام دموکراسی را کنار بگذارد، زیرا مردمی بودن یک نظام سیاسی و نقش آنها در اداره کشور به دلیل الگودهی آن به دیگر ملت های منطقه تهدیدی برای آمریکا، منافعش و متحدانش است.

باور آمریکا به کارایی تحریم اقتصادی

در آمریکا اجماعی فراچربی درباره کارایی ابزار تحریم وجود دارد. از نظر سیاستمداران و اندیشکده های آمریکایی بدون توجه به گرایش هایشان، اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران تاکنون در تأمین منافع آمریکا و متحدان این کشور موفق بوده است. از نظر این افراد و گروه ها، لغو

تحریم ها می تواند با آزادسازی منابع مالی ایران باعث شود تا تهران پس از دسترسی به منابع مالی با افزایش قدرت خود به پیگیری طرح هایش بپردازد.

به عبارتی، نظریه ذهنیت نخبگان سیاسی ایالات متحده، گفتن های مخالف توافق هسته ای و موفقیت سیاست تحریم در تأمین منافع ایالات متحده، استفاده از ابزار تحریم، به عنوان یک راه حل آزمایش شده در مهار قدرت اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران، در سند راهبردی ایالات متحده آمریکا نهاده شده است و تصویب تحریم های جدید مالی، اقتصادی، دفاعی و نظامی علیه این کشور از سوی نخبگان سیاسی ایالات متحده در پسابرجام بسیار محتمل خواهد بود.

اصلی ترین مسائلی که این افراد به آن اشاره می کنند، دلایل قبول محدودیت های هسته ای توسط ایران است. از نظر این افراد برنامه هسته ای ایران چه بدون تحریم ها و چه با تحریم ها پیشرفت می کرد اما تحریم های اقتصادی باعث شد بخشی از مردم ایران با مشکلات معیشتی روبه رو شده و دلیل آن را اصرار دولت ایران بر مواضع هسته ای خود بدانند.

نقطه آسیب پذیری ایران دیگر نه ترور دانشمندان هسته ای است و نه تهدید به حمله نظامی، زیرا این گزینه ها با مخاطرات بالایی روبه رو هستند و امکان آسیب پذیری و اشتگتن در آنها نیز وجود دارد، زیرا خطر بروز جنگ و یا درگیری های منطقه ای را تشدید می کنند. در مقابل اما تحریم های اقتصادی می تواند باعث آسیب پذیری کوتاه مدت و میان مدت ایران شود، بدون آنکه مخاطرات چندانی برای واشنگتن داشته باشد.

تورم حاصله از تحریم با سرریز در حوزه های دیگر مانند مسکن باعث بروز بحران در آن نیز خواهد شد. در سوی دیگر تورم و افزایش قیمت ارز باعث کمبود منابع مالی کارخانه ها شده و مشکلاتی در حوزه تأمین مالی برای آن به وجود خواهد آورد. به عنوان مثال کارخانه ای که با سرمایه ۵۰ میلیارد تومانی تأسیس شده و در سال گذشته به طور کلی ۳۰ میلیارد تومان درآمد داشته است، حالا با مشکل کمبود نقدینگی مواجه خواهد شد، زیرا باید برای سال بعد به جای صرف ۱۵ میلیارد تومان برای خرید مواد اولیه، ۴۵ میلیارد تومان بپردازد؛ یعنی ۱۵ میلیارد تومان بیشتر از کل درآمد ناخالص سال گذشته اش.

اگر ایران بتواند با روش هایی خود را از این شرایط نجات دهد عملاً با بی تأثیری تحریم ها آمریکا نیز از آنها دست خواهد کشید. داخلی سازی بسیاری از تجهیزات صنعتی، افزایش بهره وری از مجموعه های صنعتی، برنامه ریزی برای کاهش مصرف انرژی، بهینه کردن تولیدات و همچنین استفاده از نفوذ دولت ایران برای تأمین تهاتری تجهیزات سنگین صنعتی می تواند راهی برای خنثی سازی تحریم ها باشد و گزینه آمریکا با میزان بالای دشمنی اش با ایران اساساً در هنگام کارایی ابزار تحریم دلیلی برای دست برداشتن از آن ندارد.

پی نوشت:

۱- فشنندی نویبان و قادری، حسین. ۱۳۹۶. بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم های هوشمند علیه ایران و تاثیرات برجام بر این تحریم ها، فصلنامه قانون یار، دوره ۲، شماره ۲، ص ۱۳۶
۲- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه. ۱۳۹۵. ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۸، شماره ۴ (پیاپی ۳۲)، صص ۴۰-۴۱